

شاخصه‌های ارتباطات اجتماعی کارآمد از دیدگاه نهج البلاغه

احمد زرنegar* / علی محمد کریمی یزدی**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۸

چکیده

مقاله حاضر با عنوان شاخصه‌های ارتباطات اجتماعی کارآمد از دیدگاه نهج البلاغه با توجه به اینکه بسیاری از علوم ارتباطات اجتماعی مبتنی بر فلسفه‌هایی است که مبانی آن‌ها مادی‌گرایی و بی‌اعتقادی به تعالیم اسلامی است و به ترویج شکاکیت، بی‌دینی، بی‌عدالتی و گمراهی می‌انجامد، تدوین شده است. این مقاله می‌کوشد با بررسی بیانات امام علی (ع) در نهج البلاغه، به بیان شاخصه‌های نظری و عملی ارتباطات اجتماعی کارآمد بپردازد. شاخصه‌های نظری ارتباطات کارآمد شامل: وقوف به اصول و قواعد ارتباطات اجتماعی کارآمد، حتمیت تاثیر ارزشی رفتارهای اجتماعی و خدا محوری می‌باشد و شاخصه‌های عملی ارتباطات اجتماعی کارآمد، در بردارنده‌ی التزام به هنجارها، الگو پذیری و مراعات ملاک‌های ارتباط اجتماعی کارآمد است. با توجه به بررسی‌های صورت گرفته روشن گردید مساله‌ی ارتباطات اجتماعی از مباحث مورد توجه دین اسلام و ائمه‌ی اطهار (ع) بوده و در این زمینه مباحث مهم و کاربردی را بیان نموده‌اند که جهت ارتقای کیفی و کمی این نوع ارتباطات، التزام به این امور ضروری است. مطالب مقاله حاضر با مراجعه به کتب و به روش کتابخانه‌ای جمع آوری گردیده و به شیوه‌ی توصیفی - تبیینی بیان شده است.

کلیدواژه‌ها:

علی (ع)، نهج البلاغه، شاخصه‌های کارآمد، ارتباطات اجتماعی

مقدمه

تعریف و تبیین مساله

انسان موجودی فطرتاً اجتماعی است که در پرتو اجتماع می‌تواند به نیازها و خواسته‌های خود پاسخ داده و به مرحله‌ی قابل توجهی از رشد و بالندگی دست یابد. ارتباطات اجتماعی همان‌گونه که می‌تواند موفق و بالنده باشد، می‌تواند با آسیب‌ها و موانعی نیز همراه باشد لذا مساله ارتباطات اجتماعی قابلیت بررسی از ابعادی مثل مفهوم شناسی، علل و عوامل به وجود آورنده‌ی ارتباطات اجتماعی، آثار و فواید ارتباطات اجتماعی، آسیب شناسی ارتباطات اجتماعی، راهکارهای ارتقای ارتباط اجتماعی و شاخصه‌های ارتباط اجتماعی باشد. باتوجه به جایگاه تعاملات اجتماعی منابع و مکاتب متعددی عهده دار تبیین آموزه‌های مرتبط با ارتباطات اجتماعی هستند. این مساله‌ی خطیر مورد توجه منابع دین اسلام از جمله نهج البلاغه بوده است. لذا تحقیق حاضر در صدد بررسی شاخصه‌های ارتباطات اجتماعی کارآمد از دیدگاه نهج البلاغه می‌باشد. که این شاخصه‌ها در ابعاد متفاوتی از جمله شاخصه‌های سلبی- ایجابی، شاخصه‌های فردی- اجتماعی، شاخصه‌های ظاهری- باطنی و شاخصه‌های نظری و عملی تقسیم می‌شود. محقق در مقاله حاضر به بیان شاخصه‌های نظری- عملی پرداخته است. مقصود از شاخصه‌های نظری شاخصه‌هایی از قبیل وقوف به اصول و قواعد ارتباطات اجتماعی کارآمد، حتمیت تاثیر ارزشی رفتارهای اجتماعی و خدا محوری می‌باشد و مقصود از شاخصه‌های عملی ارتباطات اجتماعی کارآمد، التزام به هنجارها، الگو پذیری و مراعات ملاک‌های ارتباط اجتماعی کارآمد می‌باشد.

پیشینه تحقیق

با توجه به اهمیت ارتباطات اجتماعی و تاثیر آن در بهبود روند زندگی انسانی این مساله از دیر باز مورد توجه محققین و مولفین بوده است وجود کتب متعدد در این راستا مؤید این مساله می‌باشد؛ کتبی از قبیل: آذری، غلامرضا (۱۳۸۴). مقدمه‌ای بر اصول و مبانی ارتباطات (انسانی - جمعی) و پل، کوبلی (۱۳۸۷). نظریه‌های ارتباطات و ساروخانی، باقر (۱۳۶۷). جامعه‌شناسی ارتباطات و زورق، محمدحسن (۱۳۸۹). ارتباطات و آگاهی (مفاهیم و مبانی و روش‌ها) و زرنگار، احمد (۱۳۹۱). مبانی ارتباطات اجتماعی از منظر قرآن کریم آثار فوق به خوبی به تبیین مسایل مرتبط با ارتباطات پرداخته‌اند منتها در رابطه با شاخصه‌های ارتباطات اجتماعی کارآمد از دیدگاه نهج البلاغه اثر مستقلی یافت نشد، لذا مقاله حاضر به صورت خاص به بررسی شاخصه‌های ارتباطات اجتماعی کارآمد از دیدگاه نهج البلاغه را مورد بررسی قرار داده است.

اهداف و سوالات تحقیق: مقاله حاضر با اهدافی از جمله تبیین دیدگاه نهج البلاغه در رابطه با شاخصه‌های ارتباطات اجتماعی کارآمد، عملیاتی کردن معارف نهج البلاغه، استخراج شاخصه‌های صحیح و قابل ارائه در فضاهای علمی و آکادمیک تدوین شده و در صدد پاسخگویی به این سوال بوده است: شاخصه‌های روابط اجتماعی کارآمد از دیدگاه نهج البلاغه چیست؟ و این سوال در قالب دو سوال فرعی شاخصه‌های نظری ارتباطات کارآمد از دیدگاه نهج البلاغه چیست؟ شاخصه‌های عملی ارتباطات کارآمد از دیدگاه نهج البلاغه چیست؟ پاسخ داده شده است.

۱- شاخصه‌های نظری ارتباطات اجتماعی کارآمد در نهج البلاغه

ارتباطات اجتماعی از مسایل مورد توجه در نهج البلاغه می‌باشد که دراری شاخص‌ها و ویژگی‌هایی است که در دو قسم شاخصه‌های نظری و عملی قابل ترسیم می‌باشد در ادامه به بیان شاخصه‌های نظری ارتباطات کارآمد پرداخته می‌شود؛

۱-۱- وقوف به اصول و قواعد ارتباطات اجتماعی

شیوه ارسال پیام و برقراری ارتباط از ویژگی‌های مهم پیام‌رسانی است. هر پیام‌رسان برای رسیدن به مقصود خود، بایستی به اصول و قواعد پیام‌رسانی واقف باشد تا نتیجه مطلوبی کسب کند. انسان‌ها برای تکامل و بقای زندگی مادی و معنوی و برآوردن نیازهای شخصی و اجتماعی، لاجرم محتاج برقراری ارتباط هستند. این ارتباطات اجتماعی رعایت مجموعه‌ای از اصول و قواعد را می‌طلبد؛ چه همواره بخشی از عواملی که در انحطاط و قوام جوامع بشری مؤثر بوده، از چگونگی و هویت عناصر پیام ناشی شده است: پیام‌رسان، پیام‌گیر، پیام و ابزار پیام.

از بدو خلقت بشر تاکنون، موانعی برای ارسال پیام و برقراری ارتباط وجود داشته است. این آفات ممکن است ناشی از عوامل درونی و مرتبط با پیام یا بیرونی و غیرمرتبط با آن باشد. موانع ارتباط گاهی ناشی از عناصر پیام است و گاهی به علت عدم مراعات اصول و قواعد مرتبط با عناصر پیام پدید می‌آید. بیانات امام علیه السلام به عنوان منبع یا وسیله ارسال پیام در کتاب نهج البلاغه، به وضوح بیانگر نکاتی است که می‌تواند تأثیر مثبت یا منفی در برقراری ارتباطات بگذارد.

امام علیه السلام اصول و قواعدی را بیان می‌فرماید که بعضی از آن‌ها خطاب به فرد و بعضی از آن‌ها به جمع و اقشار جامعه است؛ یعنی چگونگی برقراری ارتباط را برای فرد و جامعه مشخص می‌فرماید. ایشان برای هر کدام از احاد و طبقات اجتماعی، نقش‌ها و دستوراتی دارند و می‌فرماید هر فرد یا هر جامعه چگونه باید رفتار کنند و ارتباط برقرار نمایند. حضرت علیه السلام طی نامه‌هایی که در دوران حکومتشان به نمایندگان و سران جامعه ارسال کرده‌اند، عوامل و موانع انحطاط جامعه را بیان



فرموده و آثار ناشی از رعایت یا عدم رعایت آن مؤلفه‌ها را به‌صراحت توضیح داده‌اند. به‌طور مثال، امام علیه السلام در نامه ۵۳ نهج البلاغه می‌فرماید: «هر جامعه، متشکل از گروه‌ها و اصناف مختلفی است که کارکرد ویژه‌ای دارند. هیچ جامعه‌ای بی‌نیاز از طبقات اجتماعی موجودش نیست. تا زمانی که طبقات مختلف در تعادل به سر می‌برند، جامعه متعادل است و هیچ‌گونه مشکلی برایش پیش نمی‌آید؛ اما بروز عدم تعادل در بین یکی از طبقات، باعث برهم خوردن تعادل اجتماعی می‌شود». این سخن می‌رساند امام علیه السلام دستورالعمل کاملی برای برخورد با اصناف و طبقات مختلف داشته و تلاش در جهت برقراری روابط حسنه بین مردم و حکام را مورد تأکید قرار داده‌اند. امام علیه السلام برای جوامع و دولت‌های موفق ویژگی‌هایی را قائل هستند و عوامل ناکامی دیگر جوامع و دولت‌ها را متذکر می‌شوند. همه این ویژگی‌ها و عوامل به روش و چگونگی برقراری ارتباط - اعم از کلامی و غیرکلامی - بستگی دارد؛ اگر این ویژگی‌ها در برقراری ارتباطات لحاظ گردد، آثاری مثبتی بر آن‌ها مترتب خواهد بود، ولی اگر چنین نباشد، نتایج منفی به دنبال خواهد داشت (اورعی، ۱۳۸۰، ص ۶۰).

و همچنین در رابطه با اصل وجود زندگی اجتماعی می‌فرمایند:

(۱) «وَالزُّمُو السَّوَادَ الْأَعْظَمَ؛ فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ، وَإِيَّاكُمْ وَالْفُرْقَةَ؛ فَإِنَّ الشَّاذَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ كَمَا أَنَّ الشَّاذَّ مِنَ الْعَمَلِ لِلذَّنْبِ» (همواره با بزرگ‌ترین جمعیت‌ها باشید که دست خدا با جماعت است. از پراکندگی بپرهیزید که انسان تنها بهره شیطان است، آن‌گونه که گوسفند تنها طعمه گرگ می‌گردد).

امام علی علیه السلام در این فراز از خطبه ۱۲۷، به مردم می‌فرماید با جماعت‌های بزرگ ارتباط برقرار کنند. در نظر ایشان، فرد اصالت ندارد؛ بلکه باید با جامعه زندگی کند و از انزوا دوری جوید تا جامعه ساخته بشود.

(۲) امام علی علیه السلام در نامه ۵۳ نهج البلاغه، خطاب به مالک اشتر، هنگامی که وی را به فرمانداری مصر برگزید، فرمود: «وَأَشْعُرُ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَةِ وَالْحُبَّةَ لَهُمْ... وَالصَّقَّ بِأَهْلِ الْوَرَعِ وَالصَّدَقِ... اعْلَمْ أَنَّ الرَّعِيَةَ طَبَقَاتٌ لَا يَضِلُّحُ بَعْضُهَا إِلَّا بَبَعْضٍ... وَتَوَخَّ مِنْهُمْ أَهْلَ التَّجَرِبَةِ وَالْحَيَاءِ» (با مردم به مهربانی و محبت ارتباط برقرار کن... به پرهیزکاران و راست‌گویان بیبوند... بدان مردم از گروه‌های گوناگونی تشکیل شده‌اند... کارگزاران دولتی را از میان مردمی باتجربه و با حیا انتخاب کن).

امام علی علیه السلام روش و گونه برقراری ارتباط با جماعت و رعیت را به مالک آموزش می‌دهد و یک نمونه از ارتباطات اجتماعی را گوشزد می‌فرماید. ایشان به وجود طبقات اجتماعی اشاره می‌نماید و

حتی درباره انتخاب کارمندان، گروهی را مشخص می‌سازد. حضرت علیه السلام در سخنرانی‌ها و نامه‌نگاری‌های خویش، اصول و قواعدی را برای تمام مسائل و موضوعات فردی و اجتماعی بیان می‌فرماید و الگوهایی ارائه می‌دهد که می‌بایست در تمام امور زندگی مادی و معنوی به کار گرفته شود.

بنابر آنچه گذشت، این پژوهش درصدد پرداختن به مبانی ارتباطات اجتماعی از منظر نهج البلاغه است؛ چه امام علی علیه السلام، به‌عنوان وصی خاتم انبیاء صلی الله علیه و آله، سبک ویژه‌ای برای برقراری ارتباط اجتماعی داشته که از خلال نامه‌ها و خطابه‌های ایشان در کتاب گران‌سنگ نهج البلاغه، قابل بازیابی است.

۱-۲- حتمیت تأثیر ارزشی رفتارهای اجتماعی در عالم هستی

ضرورت و حتمیت قوانین رفتار اجتماعی، به معنی ضرورت به اختیار و حتمیت به اراده است؛ به‌عبارت‌دیگر، انسان می‌تواند با اختیار و آزادی خود از سیطره و شمول یک ضرورت خارج شود و تحت سیطره و عمومیت رابطه حتمی دیگری درآید. به‌بیان‌دیگر، انسان می‌تواند از طریق آگاهی، آشنایی، دانش، آموزش و با تغییر رفتار و کردار خود، موضوع و متغیر یک رابطه ضروری یا یک نظم حتمی را از بین ببرد و در نتیجه از وقوع محمول و تابع آن جلوگیری نماید.

برای مثال، هنگامی که کم‌فروشی به‌عنوان یک نظم رفتاری و عملی جمعی، موضوع یک رابطه ضروری و حتمی قرار می‌گیرد، به دنبال آن یک تابع طبیعی از قبیل قحطی و کم‌محصولی پدید می‌آید. نقش انسان‌ها، تماشچی و ناظر نیست؛ بلکه نقش بازیگر و عامل است. انسان‌ها می‌توانند بازی دیگری را شروع کنند، عمل دیگری را برگزینند و موضوع دیگری را متحقق سازند؛ یعنی به میزان و به‌اندازه، کیل کنند و عمل اقتصادی سالمی را پیشه گیرند و در نتیجه موضوع قانون مذکور (کم‌فروشی) را عملاً از بین ببرند و از ضرورت و قطعیت قحطی و کم‌باری برهند.

بنابراین، اگرچه ممکن است انسان‌ها در عمل چنین نکنند و در سیطره و نفوذ یک قانون یا یک نظم اجتماعی تا مدت‌ها باقی بمانند، ولی این بدان معنی نیست که قدرت آن را ندارند. انسان‌ها از طریق الگوها، رهبران، مصلحان و عالمان می‌توانند با انواع قانون‌ها، نظم‌ها و رابطه‌های جمعی آشنا شوند؛ آنگاه با اختیار و آزادی خود، با نفی موضوع‌ها و متغیرها، یعنی با عدم انتخاب رفتارهای معین و اعمال مخصوص، از قیمومیت و اسارت یک رابطه و قانون رهایی یابند و با رفتاری دیگر و تحقق موضوع و متغیری جدید، تابع دیگری را رقم زنند، قانون جدیدی را شامل خود سازند و تحت رابطه‌ای انتخابی قرار گیرند.



به‌عنوان مثال، جامعه‌ای که ظلم می‌کند، یعنی عمل جمعی انسان‌های آن جامعه ظالمانه است، قطعاً و حتماً و ضرورتاً مشمول یک سنت و قانون اجتماعی می‌گردد، به دام یک رابطه و نظم عینی می‌افتد و طبق کلام حضرت امیر (الْجُورُ مُحْمَاةٌ)، به ورطه ویرانی و میرایی کشیده می‌شود و عذاب مرگ و نیستی بر آن فرود می‌آید. ولی انسان‌ها می‌توانند با تغییر عمل جمعی و دگرگون‌سازی رفتار اجتماعی، از این ضرورت و حتمیت جلوگیری نمایند.

در نتیجه، عرصه اجتماعات، عرصه سنت‌های الهی و قانون‌های منظم و مکرر جمعی، عینی، تکوینی و ضروری است؛ اما تفاوت آن‌ها با عرصه طبیعیات در این است که در عرصه نظام اجتماعی، قابلیت بازگشت و رجوع به سنتی دیگر و قدرت تغییر اعمال و رفتار، مطرح است، ولی در آن عرصه چنین امری وجود ندارد. در این خصوص به مضامین گویایی از نهج البلاغه می‌نگریم: «وَإِمْ لَلَّهِ مَا كَانَ قَوْمٌ قَطُّ فِي عَصِّ نِعْمَةٍ مِنْ عَيْشٍ فَرَّالٍ عَمُّهُمْ إِلَّا بِدُنُوبٍ اجْتَرَحُوهَا ... به خدا سوگند، هرگز ملتی از ناز و نعمت زندگی گرفته نشدند، مگر به کیفر گناهانی که انجام داده‌اند؛ زیرا خداوند به بندگان خود ستم روا نمی‌دارد. اگر مردم هنگام نزول بلاها و گرفته شدن نعمت‌ها، با درستی نیت در پیشگاه خدا زاری کنند و با قلب‌های پر از محبت از خداوند درخواست عفو نمایند، آنچه از دستشان رفته، بازخواهد گشت و هرگونه فسادی اصلاح خواهد شد. من بر شما ترسناکم که در جهالت و غرور فرورفته باشید؛ چه اینکه در گذشته به سویی کشیده شدید که قابل ستایش نبود؛ اما اگر در زندگانی خود اصلاحاتی پدید آورید، سعادت‌مند خواهید شد. وظیفه من جز تلاش و کوشش در اصلاح امور شما نیست. اگر می‌خواستم، بی‌مهری‌های شما را بازگو می‌کردم. خدا آنچه را گذشت ببخشد».

عبارت فوق مؤکد مضمونی است که در چند آیه قرآنی مطرح می‌شود. مثلاً: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ ...» (در حقیقت، خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند. و چون خدا برای قومی آسیبی بخواهد، هیچ برگشتی برای آن نیست و غیر از او حمایتگری برای آنان نخواهد بود) (رعد: ۱۱). بر این اساس، انسان‌ها می‌توانند عملشان را تغییر دهند و در نتیجه، سنت الهی را در مورد رفتارشان متحول سازند؛ یعنی از شمول یک سنت خارج گردند و به سیطره سنتی دیگر داخل شوند (هیئت تحریریه بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۷۳، ص ۲۵۵-۲۵۶).

حضرت علی (عَلَيْهِ السَّلَام) در ریشه‌یابی تنگناهای اقتصادی می‌فرماید: «بارخدا، بارانت را بر ما بیار و ما را ناامید بر مگردان و با خشک‌سالی و قحطی ما را نابود مفرما و با کردار زشتی که بی‌خردان ما انجام داده‌اند، ما را به عذاب خویش مبتلا مگردان». ایشان در این فراز، یکی از علل تنگناهای اقتصادی را نباریدن باران بیان می‌نماید. در جای دیگر، یکی از علل تنگناهای اقتصادی را اسراف و زیاده‌روی

می‌داند. امام با الهام از مکتب اسلام، هرگونه اسراف و زیاده‌روی را در استفاده از امکانات مادی، عملی نادرست می‌شمارد؛ چنانکه در نامه‌ای به عبدالله ابن عباس، حاکم بصره، می‌نویسد: «از اسراف بپرهیز و میانه‌روی را برگزین. از امروز به فکر فردا باش و از اموال دنیا به اندازه کفاف خویش نگه دار و زیاده‌روی را برای روز نیازمندی‌ات در آخرت پیش بفرست» (شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۵ و ۱۶، خطبه ۲۱، ص ۱۳۹).

بنابراین، ارتباطات فردی و اجتماعی از منظر امام علیه السلام مبتنی بر رعایت دستورات و قوانینی است که بر محور اطاعت محض از دستورات الهی شکل می‌گیرد. لذا رفتارهای شایسته و ناشایست انسان‌ها در بازخورد حتمی و ضروری آن‌ها که به هنجارها و ناهنجاری‌های اجتماعی می‌انجامد، تأثیر مستقیم دارد. به عبارتی، تمام ناهنجاری‌های اجتماعی، متأثر از نوع رفتارهای فردی و اجتماعی است که به سنت‌های خوب یا بد تبدیل می‌شود.

۱-۳- خدامحوری محور ارتباطات در نهج البلاغه

امام علیه السلام در خطبه ۲۳ نهج البلاغه می‌فرماید: «فَاَحْذَرُوا مِنْ اَللّٰهِ مَا حَذَرَكَ مِنْ نَفْسِهِ، وَاخْشَوْهُ خَشِيَةً لَيْسَتْ بِتَعْذِيرٍ، وَاَعْمَلُوا فِيْ غَيْرِ رِيَاءٍ وَّلَا سُمْعَةٍ؛ فَاِنَّهُ مَنْ يَعْمَلْ لِّغَيْرِ اَللّٰهِ يَكِلْهُ اَللّٰهُ اِلَى مَنْ عَمِلَ لَهُ» (از خدا در آنچه اعلام خطر کرده است، بر حذر باشید. از خدا آن‌گونه بترسید که نیازی به عذرخواهی نداشته باشید. عمل نیک انجام دهید، بدون آنکه به ریا و خودنمایی مبتلا شوید؛ زیرا هرکس کاری برای غیر خدا انجام دهد، خدا او را به همان غیر واگذارد).

کلام دیگر حضرت علی علیه السلام این است: «اِيَّاكَ وَمُسَامَاةَ اَللّٰهِ فِيْ عَظَمَتِهِ، وَاَلتَّشْبِهَ بِهِ فِيْ جَبْرُوتِهِ، فَاِنَّ اَللّٰهَ يَذِلُّ كُلَّ جَبَّارٍ وَيَهِيْنُ كُلَّ مُتَّعِلٍ». آنچه زیننده بندگان خداست، همانا حفظ زی عبودیت است؛ چنانکه ربوبیت ویژه خداست. لذا امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه‌ای به فرزند خود، او را از همسو بودن با خداوند و رویارویی با ذات کبریایی او تحذیر می‌کند و از تشبّه به خداوند در نیل به مقام منیع جبروت و اعتلاء و برتری‌جویی پرهیز می‌دهد. او دلیل نهی مزبور را چنین می‌فرماید که خداوند هر جبار و خودبین را خوار می‌کند و هرکه را به جای عقل، خیال خام را بر خویش حکمران کند، موهون و فرومایه می‌سازد؛ چون هر عزیزی غیر خداوند خوار است (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

«وَكُلُّ عَزِيْزٍ غَيْرُهُ ذَلِيْلٌ». لذا هر کس بخواهد با خداوند در عزت مسابقه دهد، با او برابری نماید و خود را چنان خدای بی‌چون عزیز پندارد، خداوند او را مغلوب کرده و نابودش می‌نماید. (نهج البلاغه، خطبه ۶۵، بند ۲). «قَاهِرُ مَنْ عَاَزَهُ، وَمُدْمَرٌ مَنْ شَاقَّهُ، وَمُذِلُّ مَنْ نَاوَاهُ». غرض آنکه تشبّه به خداوند در اخلاق و علوم الهی فقط در محدوده امر اوست، نه در برابر او. لذا اعمال قدرت به دستور خداوند





علیه هر باطل و باطل‌گرا رواست؛ زیرا در این‌گونه موارد، همان عزت الهی است که در مظاهر او نمود پیدا می‌کند و علیه دشمنان خداوند اعمال می‌شود، نه جبروت و استکبار در قبال امر الهی؛ زیرا عزت در امتثال امر خدا - برخلاف استکبار - همان عزت الهی است. (نهج البلاغه، خطبه ۹۰، بند ۶).

و همچنین این سخنان حضرت علی علیه السلام ناظر به مطالب بالاست: در خطبه ۱۰۹ نهج البلاغه چنین آمده است: «وَكُلُّ شَيْءٍ قَائِمٌ بِهِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۹) و «وَكُلُّ قَائِمٍ فِي سِوَاهُ مَعْلُولٌ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۶). بنابراین، تمام موجودهای امکانی قائم به خداوند است و هر موجودی که قائم به موجود دیگر باشد، معلول آن موجود دیگر خواهد بود. در نتیجه تمام جهان امکان معلول خداوند است (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۲۳).

نظام عالم و جهان هستی، نظام علیت و معلولیت است؛ یعنی هر موجودی که هستی او عین ذاتش نیست، معلول و نیازمند به ذاتی است که هستی او، عین ذات او باشد. آن حضرت علیه السلام در خطبه‌ای ابتداء می‌فرماید: «مَا وَحَلَّ مِنْ كَيْفِهِ، وَلَا حَقِيقَتَهُ أَصَابَ مِنْ مَثَلِهِ، وَلَا آيَاةَ عَنِّي مِنْ شَبَهِهِ، وَلَا صَمَلٌ مَنْ أَشَارَ إِلَيْهِ وَتَوَقَّعَهُ؛ كُلُّ مَعْرُوفٍ بِنَفْسِهِ مَصْنُوعٌ، وَكُلُّ قَائِمٍ فِي سِوَاهُ مَعْلُولٌ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۶).

هر موجودی که بهره‌ای از هستی دارد - غیر از خدا - معلول است؛ زیرا هیچ موجودی قائم به خود نیست؛ بلکه هر موجودی غیر از خداوند به ماسوای خود تکیه دارد. این جمله هم تثبیت نظام علیت و معلولیت است و هم جهان هستی را به دو قسمت تقسیم می‌کند: یکی علت که آن خداست و دیگری معلول که جهان آفرینش است. حضرت می‌فرماید: هر موجودی که قیامی به غیر دارد، معلول است و چون معلول علت می‌خواهد، پس نظام آفرینش معلول خداست. در نتیجه: «كُلُّ موجودٍ هُوَ إِتَاعَةٌ وَإِتْمَاعٌ لِمَعْلُولٍ»؛ یعنی هستی به دو بخش تقسیم می‌شود: علت و معلول. جهان هستی معلول خدای یکتاست و غیر از او هر چه هست، معلول اوست؛ زیرا هستی او عین ذاتش نیست؛ وگرنه سبب و عدم نداشت و بعد از وجود، از بین نمی‌رفت (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۵۵).

بیانات حضرت صراحت دارد که هر کاری و هر حرکتی و ارتباطی باید به خاطر خداوند و با رضایت او صورت پذیرد. لذا حضرت محوریت خداوند را در تمام اموری که انجام داده است، در تمام حوزه‌های فردی و اجتماعی، در نظر داشته و آن‌ها را با توکل بر خداوند به انجام رسانده است. لذا روش و شیوه‌ای که امام علی علیه السلام در تمام حوزه‌های نظری و عملی به کار بسته و بدان توصیه فرموده، خدامحوری است.

۲- شاخصه‌های عملی ارتباطات اجتماعی کارآمد

ارتباطات اجتماعی از مسایل مورد توجه در نهج البلاغه می‌باشد که دراری شاخص‌ها و

ویژگی‌هایی است که در دو قسم شاخصه‌های نظری و عملی قابل ترسیم می‌باشد در ادامه به بیان شاخصه‌های عملی ارتباطات کارآمد پرداخته می‌شود:

۱-۲- التزام به هنجارها

امیرالمؤمنین علیه السلام در حکمت ۲۶۰ درباره برقراری ارتباط می‌فرماید: در دوستی با دوست مدارا کن؛ زیرا شاید روزی دشمن تو گردد. در دشمنی با دشمن نیز مدارا کن؛ زیرا شاید روزی دوست تو گردد.

نیز در نامه ۳۱، بند ۱۱۶ می‌فرماید: با بازماندگان دیگران نیکی کنید تا حرمت بازماندگان شما را نگاه‌دارند.

و در حکمت ۱۱ می‌فرماید: ناتوان‌ترین انسان‌ها کسی است که نمی‌تواند دوستی بیابد و از او ناتوان‌تر فردی است که نمی‌تواند دوستی با دوستان به دست آمده را حفظ کند.

همچنین می‌فرماید: هر کس خودرأی شد، به هلاکت می‌رسد و هر کس با دیگران مشورت کرد، در عقل آنان شریک می‌شود (شهیدی، حکمت ۱۶۱، ص ۳۹۱).

امام علیه السلام معتقد بود بهترین راه‌حل‌ها و صحیح‌ترین شیوه‌ها با استفاده از آرای مختلف مردم به دست می‌آید (آذر شب، ص ۱۶) از همین رو، در سفارش‌هایش به مالک می‌فرماید: با دانشمندان، بسیار مذاکره و با حکیمان درست‌کردار فراوان گفت‌وگو کن تا در نتیجه مشورت کردن با آن‌ها، آنچه صلاح و اصلاح شهرهای تو به آن‌هاست، ثابت و استوار گردد، و کردار نیک پیشینیان تو که بر پا داشته‌اند، همچنان پایرجا بماند (ابن ابی‌الحدید، ج ۱۷، نامه ۵۳، ص ۳۰).

و همچنین امام در حکمت ۲۵۱ می‌فرماید: وفاداری با خیانت‌کاران نزد خدا، نوعی خیانت است و خیانت به خیانت‌کاران نزد خدا، وفاداری.

امام در حکمت ۵۹ روش برقراری ارتباط را به ما می‌آموزد: «چون تو را ستودند، بهتر از آنان ستایش کن و چون به تو احسان کردند، بیشتر از آن ببخش. به‌هرحال، پاداش بیشتر از آن کسی است که آغاز کند».

اما نکته مهمی که در نامه ۵۳ به چشم می‌خورد، این است که امام علاوه بر اهمیت برقراری ارتباط، نگاه ارزشی هم دارد و می‌فرماید: گرچه مشورت و انجام کارها به‌شکل شورایی بسیار مهم و نتیجه‌بخش است، ولی افراد شورا بایستی صلاحیت کافی برای مشورت کردن را دارا باشند. از این رو، سفارش می‌کند با دانشمندان و درست‌کاران مشورت کن؛ یعنی با کسانی که هم آگاهی کافی داشته باشند و هم مورد اعتماد و درست‌کار.

حضرت، مردم را از مشورت با سه گروه بر حذر می‌دارد:





۱- تنگ‌نظر: شخص تنگ‌نظر، جز با تنگ‌نظری یا ترساندن از بیچارگی، رأی نمی‌دهد. این باعث دور راندن مشورت‌کننده از کار خیر است.

۲- ترسو: ترسو نظر نمی‌دهد، مگر به لزوم حفظ نفس و ترس از دشمن؛ چون مصلحت در نظر او همین است. این‌ها باعث سستی در نبرد و ضعف در ایستادگی مقابل دشمن می‌گردد.

۳- حریص: او همواره مشغول جمع‌آوری مال و نگاه‌داری آن است که این خود تجاوز از عدالت و انصاف است. بنابراین، چنین شخصی شایستگی مشورت را ندارد (ابن میثم، ج ۱، ص ۵، ج ۵، ص ۲۴۵).

ایشان همچنین در نامه‌ای به امام حسن علیه السلام می‌فرماید: با آن‌که با تو درشتی کرده است، نرم باش که امید است به‌زودی در برابر تو نرم شود. با دشمن خود به بخشش رفتار کن؛ زیرا سرانجام شیرین این دو، پیروزی است. (ابن ابی‌الحدید، ج ۱۶، نامه ۳۱، ص ۹) در این نامه نیز حضرت با نگاه ارزشی خود، چگونگی برخورد با طرف مقابل را به ما می‌آموزد.

علاوه بر این، امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه ۳۵ می‌فرماید: «وَلَا تُكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِبًا تَعْتِمُ أَكْلَهُمْ» (مبادا در منصب مدیریت برخوردهایت با آنان مانند جانور درنده‌ای باشد که خوردنشان را غنیمت شمری) (فیض الاسلام، نامه ۳۵).

اما در خصوص معیار روابط اجتماعی، امام علی علیه السلام در وصیت به فرزندش، امام حسن علیه السلام، می‌فرماید: «ای پسر من، بین خودت و دیگران، نفس خود را ترازو قرار بده. آنچه برای خودت دوست داری، برای غیر از خودت نیز دوست بدار، و آنچه را که برای خودت بد می‌دانی، برای دیگران هم بد بدان؛ همان‌طور که دوست نداری به تو ظلم شود، به دیگران ستم روا مدار. به دیگران خوبی کن، چنانچه دوست داری به تو خوبی کنند. آنچه را که انجام آن را برای دیگران زشت و قبیح می‌دانی، انجام آن را از سوی خود هم زشت بدان. به آن چیزی که اگر مردم انجام دهند، تو به آن راضی می‌شوی، مردم را همان‌گونه راضی کن. آنچه را که نمی‌دانی مگو؛ هرچند آنچه را می‌دانی بسیار کم است. آنچه را دوست نداری به تو بگویند به دیگران مگو» (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱). چنانکه مشاهده می‌کنیم، حضرت در وصیتشان به امام حسن علیه السلام، علاوه بر برقراری ارتباط، به کیفیت و نگاه ارزشی داشتن به آن را توصیه می‌فرماید.

۲-۲- نقش هنجارها یا سنت‌ها در تداوم جامعه از منظر نهج‌البلاغه

هنجارها یا نورم‌ها قواعد عمومی رفتار بشری‌اند که به موقعیت‌ها و شرایط بستگی دارند و در قالب آداب‌ورسوم و سنن اجتماعی ظهور می‌یابند. کیفیت برخورد، سلام کردن، نشستن و برخاستن و امثال آن، از عوامل سامان‌دهنده و کنترل‌کننده رفتار انسان‌های مقیم در یک محدوده جغرافیایی



است؛ بنابراین، رفتار و عمل انسان توسط آداب و رسوم و سنن اجتماعی‌اش شکل می‌گیرد و نظم می‌پذیرد؛ وگرنه فردی ناهنجار، کج‌رفتار و ناسازگار معرفی می‌گردد و از جماعت طرد می‌شود. از این رو، هنجارها نقش به‌سزایی در حیات و تداوم جامعه بازی می‌کنند؛ زیرا جامعه با استقرار و استحکام آن‌ها شکل واحدی می‌یابد، انتظام می‌پذیرد و بدون مانع به حرکت خود ادامه می‌دهد؛ ولی هنگامی که سنت‌ها، رسم‌ها و رویه‌ها شکسته می‌شوند، سازمان، انسجام، نظام و وحدت اجتماعی از هم می‌پاشد. در این باره امام علی علیه السلام در نامه ۵۳ از نهج البلاغه می‌فرماید: «آنچه بر تو لازم است، آن که حکومت‌های دادگستر پیشین، سنت‌های باارزش گذشتگان، روش‌های پسندیده رفتگان را... همواره به یاد آوری». نیز، در همین نامه می‌فرماید: «آداب پسندیده‌ای را که بزرگان این امت به آن عمل کردند، ملت اسلام با آن پیوند خورده و رعیت با آن اصلاح شدند، بر هم مزین و آدابی که به سنت‌های خوب گذشته زیان وارد می‌کند، پدید نیاید که پادشاه برای آورنده سنت و کیفر آن برای تو باشد که آن‌ها را در هم شکستی» (هیئت تحریریه بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۷۳، ص ۳۴۶).

با توجه به اینکه محور ارتباط کلامی و غیرکلامی و هرگونه کاری از منظر امام علی علیه السلام خدامحوری است، برقراری ارتباط در هر کاری باید حول محور رضایت خداوند و انجام دستورات الهی بگردد؛ لذا موانع برقراری ارتباط، نسبت به هر یک از عناصر ارتباط، می‌تواند هم امر مادی و هم معنوی باشد. بسیاری از عللی که امام علیه السلام بیان می‌فرماید، امر درونی یا امر معنوی مرتبط با عناصر پیام یا غیرمرتبط با آن‌هاست. البته موانع پیام می‌تواند امر مادی نباشد؛ مانند پارازیت که در بسیاری از کتب مختص به ارتباطات، از آن به‌عنوان یک امر مادی بحث می‌کنند.

حضرت برای فرماندهان و سران جامعه، اصول و قوانینی را وضع نهاده‌است تا در هنگام فرمانروایی، آن‌ها را رعایت کنند و مبتنی بر این ارزش‌ها و ملاک‌ها ارتباط برقرار نمایند؛ ولی اگر به این اصول پایند نباشند، عواقب و بازخوردهای نامناسبی در پی خواهد داشت. حضرت می‌فرماید: اگر این شرایط را لحاظ کنی، کاری که انجام می‌دهی، بر اساس موازین شرع است و مرضی خداوند قرار می‌گیرد؛ وگرنه خلاف دستورات الهی عمل کرده‌ای و ارتباط تو موردپسند الهی نیست؛ چراکه پیامدهای منفی دارد و تمام افراد جامعه را متضرر می‌سازد (اورعی، ۱۳۸۰، ص ۴۵-۷۰).

۲-۳- الگو پذیری در روابط اجتماعی از دیدگاه نهج البلاغه

زمانی که از الگو صحبت می‌کنیم، آنچه در بادی امر به ذهن خطور می‌کند، خصوصیات و امتیازات آن است؛ یعنی مؤلفه‌ها و شاخصه‌هایی است که سبب شده تا یک انسان یا یک شیء، نسبت به دیگران فرق داشته باشد تا برای آن‌ها الگو گردد. در این تحقیق قصد داریم تا از یک

شخصیت نمونه، الگویی ارائه دهیم. لذا ابتدا به ویژگی‌های این شخصیت بزرگوار و والامقام، از زبان گویا و فصیح خود حضرت، به استناد فرازهای کتاب گران سنگ نهج البلاغه می‌پردازیم.

الگوپرداری از بیانات امام علی علیه السلام و دست یافتن به مفاهیم بلند و عمیق نهج البلاغه - همان‌طور که خودشان فرموده‌اند - کار دشواری است: «إِنَّ أَمْرَنَا صَعْبٌ مُسْتَصْعَبٌ، لَا يَحْتَمِلُهُ إِلَّا عَبْدٌ أَمَّتَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ، وَلَا يَبْعِي حَدِيثَنَا إِلَّا صِدُورًا مَيِّنَةً وَأَخْلَامٌ زَيْنَةً» (بی‌تردید درک شأن و اسرار ما دشوار است؛ کسی را توان رسیدن بدان نیست و نیز فهم آن بر مردم عادی مشکل است و جز بنده مؤمنی که خدا دل او را به ایمان آزموده باشد، درنیابد و سخن ما را جز سینه‌های امانت‌دار و اندیشه‌های استوار نفهمد) (خطبه ۱۸۹).

از آنجاکه امام علیه السلام دارای مقام عصمت هستند، شناخت حضرتش برای غیر معصوم کاری مشکل و چه‌بسا غیرممکن است؛ به همین جهت، بهترین راه شناخت حضرت، مراجعه به سخنان معصومان علیهم السلام - و از جمله خود ایشان - است. لذا این نوشتار درصدد معرفی امام علیه السلام را از زبان مبارکش است. طبیعتاً با بضاعت ناچیز نگارنده و محدودیت تحقیق، فقط به جلوه‌های اندکی از شخصیت آن بزرگوار می‌توان پرداخت. در ادامه، شمه‌ای از آنچه امام علیه السلام در تبیین شأن و منزلت خویش بیان فرموده - به‌میزانی که در خطب نهج البلاغه ذکر شده است -، مبسوطاً ذکر می‌گردد تا چراغی باشد که از روشنایی‌اش بهره‌جوییم.

با توجه به اینکه می‌خواهیم الگویی را از بیانات امام علیه السلام کشف و ارائه کنیم، در ابتداء ایشان را از زبان خودشان معرفی می‌کنیم تا جایگاه‌شان برای خوانندگان محترم روشن گردد و الگوی واقعی را بازشناسند. آنگاه که الگوی واقعی را یافتیم، درمی‌یابیم دیگر الگوهای این عالم، اشتباه است و تنها اولیاء الهی هستند که ارزش الگوپردازی و الگوپرداری را دارند. امام علی علیه السلام در حدود ۱۲۰ مرتبه در نهج البلاغه، خودشان را معرفی کرده‌اند. این تعاریف قطعاً برای خودنمایی نبوده، بلکه برای معرفی حقیقت و تمیز حق از باطل است؛ چه در تمام دوران‌ها موانعی بر سر شناخت حقایق هست که رأس همه آن‌ها حب دنیا، شهوات، خواهش‌های نفسانی و وسوسه‌های شیطانی است. این‌ها مانع از بیداری فطرت‌های خفته و کنار رفتن پرده‌های حاجب از کشف حقایق می‌گردد. لذا در این تحقیق، از آن‌ها به موانع برقراری ارتباط یاد می‌شود.

حضرت می‌فرماید: «عِلْمٌ عَلَّمَهُ اللَّهُ نَبِيَّهُ فَعَلَّمْنِيهِ، وَدَعَا لِي بِأَنْ يَعْيَهُ صَدْرِي وَتَضَمَّ عَلَيْهِ جَوَانِحِي» (علمی است که خداوند آن را به پیامبرش تعلیم کرد و او نیز به من آموخت و برایم دعا کرد که خدا آن را در سینه‌ام جای دهد و اعضاء و جوارحم را از آن مالا مال سازد) (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۸).

امام علیه السلام همچنین می‌فرماید: «وَاللَّهِ لَوْ شِئْتُ أَنْ أُخْبِرَ كُلَّ رَجُلٍ مِنْكُمْ بِمَخْرَجِهِ وَمَوْلَاهُ وَجَمِيعِ شَأْنِهِ لَفَعَلْتُ، وَلَكِنْ أَخَافُ أَنْ تَكْفُرُوا فِي رَسُولِ اللَّهِ الْأَوَّلِ وَإِنِّي مُفَضِّلُهُ إِلَى الْخَاصَّةِ مِمَّنْ يُؤْمِنُ ذَلِكَ مِنْهُ» (به خدا سوگند، اگر بخواهم، می‌توانم هرکدام شما را از آغاز و پایان کارش و از تمام شئون زندگی‌اش آگاه سازم؛ ولی از آن می‌ترسم که این کار موجب کافر شدن شما به پیامبر گردد و درباره‌ام غلو کنید. آگاه باشید، من این اسرار را به خاصانی که مورد اطمینان هستند، خواهم سپرد). (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۵)

ایشان در جای دیگر می‌فرماید: (ای مردم، پیش از آنکه مرا نیابید، آنچه می‌خواهید از من بپرسید؛ چه من راه‌های آسمان را بهتر از راه‌های زمین می‌شناسم. بپرسید قبل از آن که فتنه‌ها چنان شتری بی‌صاحب حرکت کند، مهار خود را پایمال نماید، مردم را بکوبد و بیازارد و عقل‌ها را سرگردان کند) (خطبه ۲۳۱).

فرازهایی از نهج البلاغه که از دهان مبارکشان جاری است، گویای این مدعاست که الحق بعد از رسول الله صلی الله علیه و آله، تنها امام علی علیه السلام صلاحیت رهبری و هدایت جامعه را داراست و می‌تواند الگو باشد. البته لازم است قبلاً عنایت شود هرگونه مدح و ثنایی که از آن حضرت درباره خودش رسیده، ناظر به تبیین شخصیت حقوقی او - یعنی ولایت و خلافت الهی - است که یک امانت دینی به شمار می‌رود و پاسداری از آن ضرورت دارد. این حراست نیز دارای جهات متعددی است؛ مانند تبیین، تعلیل، تسدید، دفاع، حمایت و... که هرگز از سنخ «تَزْكِيَةُ الْمَرْءِ نَفْسَهُ» نیست تا ناروا باشد. به هر تقدیر، آنچه از آن حضرت به لحاظ شهود علمی درباره خودش رسیده، فراوان است که شمه‌ای از آن عبارت است از: «أَنَا الْقُرْآنُ النَّاطِقُ» (ینابیع الموده، ج ۱، ص ۲۱۴، ح ۲۰)؛ «أَنَا كَلَامُ اللَّهِ النَّاطِقُ» (بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۱۹۹). «أَنَا عِلْمُ اللَّهِ... وَلِسَانُ اللَّهِ النَّاطِقُ». (توحید صدوق، ص ۱۶۴، ج ۱). افزون بر این، کسی که قرآن ناطق و وحی ممتل است، اطلاع حضوری بر اسرار جهان خواهد داشت (جوادی آملی، ۱۳۶۷، ص ۴۰).

مبانی شکل‌گیری الگویی از نهج البلاغه به مبانی فکری و اندیشه‌ای امام علیه السلام، ملاک‌ها و معیارهای اخذ شده از روش‌ها و عملکردهای ایشان در زمان حیاتشان، و هرآنچه از سوی حضرت علیه السلام توصیه و سفارش شده است، برمی‌گردد. الگویی که ارائه خواهد شد، یک مدل ارتباط اجتماعی است. از آنجا که هر حرکتی و ارتباطی مبتنی بر یک تفکر و اراده‌ای است که قبل از آن وجود دارد و ارتباطات را شکل می‌دهد، مبانی ارتباط توحیدی با ارتباط غیرتوحیدی، در نظر و اندیشه تفاوت می‌کند. مبانی ارتباط اجتماعی در جوامع اسلامی می‌باید بر اساس اصول، ارزش‌ها و تفکرات اسلامی - یعنی قرآن و ائمه معصومین علیهم السلام - شکل گیرد. لذا برای آگاهی از مبانی فکری امام



علی علیه السلام به فرازهایی از نهج البلاغه اشاره شد تا با کمی تأمل، به مبانی اندیشه‌ای و دغدغه‌های فکری ایشان دست یابیم. برخی از آن‌ها عبارت است از:

- ۱- انجام تکالیف الهی؛
- ۲- هدایت انسان‌ها؛
- ۳- پاسداری از دین خدا؛
- ۴- یاری حق تا حد ایثار و جان فشانی؛
- ۵- بیداری و آگاهی انسان‌ها از خواب غفلت؛
- ۶- مبارزه با ظلم و ستمکاران؛
- ۷- ملاحظت با مردم به خاطر خدا؛
- ۸- اطاعت محض از اوامر الهی؛
- ۹- عمل به قرآن و عترت؛
- ۱۰- مبارزه با فتنه‌گران؛
- ۱۱- دل نبستن به مردم دنیاپرست؛
- ۱۲- فریفتن خود و دیگران؛
- ۱۳- دروغ نگفتن؛
- ۱۴- صبر و تحمل برای یاری دین خدا؛
- ۱۵- عزیز شمردن ضعفاء و ناتوان کردن زورگویان ...

تا آخر ۱۲۴ بند از سخنانی که درباره خودشان فرموده‌اند. با مراجعه به این فرازها، درمی‌یابیم امام علیه السلام با اطاعت محض از خداوند، درصدد اجرای دستورات پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، بر اساس موازین شرعی قرآن کریم است و تنها دغدغه ایشان، اطاعت از خدا و رسول اکرم صلی الله علیه و آله و یاری دین خدا می‌باشد.

بیانات نهج البلاغه نشانگر مبانی فکری امام علی علیه السلام است که همان مبانی اندیشه‌ای پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می‌باشد. ایشان در خطبه ۱۶۰، صفات پیامبر و اهل بیت علیهم السلام را بیان می‌فرماید: «خداوند پیامبرش را با نوری درخشان و برهانی آشکار و راهی روشن و کتابی هدایتگر برانگیخت ... خدا او را با برهانی کامل و کافی (قرآن) و پندهای شفابخش و دعوتی جبران‌کننده فرستاد. با فرستادن پیامبر صلی الله علیه و آله شریعت‌های ناشناخته را شناساند، ریشه بدعت‌های راه‌یافته در ادیان آسمانی را قطع کرد و احکام و مقررات الهی را بیان فرمود. پس هر کس جز اسلام دینی را انتخاب کند، به یقین شقاوت او ثابت، پیوند او با خدا قطع و سقوطش سهمگین خواهد بود و سرانجامش رنج و

اندوهی بی‌پایان و شکنجه‌ای پردرد می‌باشد».

همچنین، در خطبه ۱۵۹ به تاسی به نبی اکرم صلی الله علیه و آله سفارش می‌فرماید: «برای تو کافی است که راه و رسم زندگی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را اطاعت نمایی تا راهنمای خوبی برای تو در شناخت بدی‌ها و عیب‌های دنیا و رسوایی‌ها و زشتی آن باشد؛ چه اینکه دنیا از هر سو بر پیامبر صلی الله علیه و آله بازداشته و برای غیر او گسترانده شد. از پستان دنیا شیر نخورد و از زیورهای آن فاصله گرفت... پس به پیامبر پاکیزه و پاکت اقتدا کن که راه و رسم او الگویی است برای الگوظلبان و مایه فخر و بزرگی است برای کسی که خواهان بزرگواری باشد. محبوب‌ترین بنده نزد خدا کسی است که از پیامبرش پیروی کند».

هرگونه برقراری ارتباط در نهج البلاغه متوقف و مبتنی بر یک اندیشه است که در لایه زیرین قرار دارد. این اندیشه به ارتباطات جهت می‌دهد و نوع آن را مشخص می‌سازد. ارتباط در نتیجه، یا رنگ الهی و رحمانی به خود می‌گیرد یا رنگ شیطانی را منعکس می‌نماید. حضرت علی علیه السلام در موارد مکرر از نهج البلاغه، آثار و تبعات برقراری ارتباط رحمانی و شیطانی را به صراحت بیان می‌فرماید؛ زیرا مبانی و ارزش‌های نهفته در پس این ارتباطات است که نوع آن را تعیین می‌کند. از این رو، اگر به سفارش‌هایی که در نهج البلاغه شده است عمل کنیم، اطاعت از خدا و رسول صلی الله علیه و آله و رضایت الهی را به دنبال دارد. سپس آثار اطاعت از اوامر الهی در جامعه نمایان می‌شود و به شکل یک هنجار اجتماعی درمی‌آید. ولی اگر به آن‌ها توجه نکنیم، شاهد اطاعت از شیطان و نابودی انسان‌ها خواهیم بود. بنابراین، هر ارتباطی یک منشأ و مبنا قبل از برقراری و یک اثر بعد از برقراری آن دارد. اگر منشأ آن رحمانی باشد، اثرش رستگاری و اگر مبدأ آن شیطانی باشد، پیامدش گمراهی است.

حضرت در خصوص نوع رفتار و برقراری ارتباط با مردم دستوراتی دارد. برای مثال، ایشان در نامه ۵۳ خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «ای مالک، با مردم طوری رفتار کن و ارتباط برقرار کن که مانند ارتباط پدر و مادر با فرزندش باشد». همچنین، به مالک امر می‌کند از خشونت بپرهیزد. نیز، رابطه خود با مردم را در خطبه ۱۳۱ به سان دایه مهربان توصیف می‌فرماید. یا در نامه ۷۹، زمانی که عبدالله ابن عباس را به جانشینی خود در بصره انتخاب می‌نماید، او را به گشاده‌رویی با مردم امر می‌کند؛ یعنی تأکید دارد با مردم به این شیوه ارتباط برقرار کند؛ چه گشاده‌رویی با مردم، عامل نزدیکی به خداوند است. در حقیقت، هرگونه آثار باطنی و ظاهری که در جامعه بروز می‌کند، بستگی به نوع رفتاری دارد که حکام با مردم و یا مردم با مردم، انجام می‌دهند. به عبارتی، هرگونه برقراری ارتباط با انسان‌ها، آثار اجتماعی خودش را در جامعه انعکاس می‌دهد. (راوندی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۰)

علاوه بر این، امام علی علیه السلام می‌فرماید: «هرکس با مردم به انصاف رفتار نماید، خداوند بر عزت

او می‌افزاید: «میزان الحکمه، ج ۷، ص ۳۶۷). این حدیث، تأثیر نوع رفتار و ارتباط را به ما گوشزد می‌کند که اگر دارای این ویژگی یعنی انصاف با مردم - باشد، عزت خداوند را به دنبال می‌آورد. پس عزت خداوندی در ارتباط با حالت انصاف است. در قرآن کریم نیز امثال این نوع ارتباطات وجود دارد؛ مثلاً در سوره مؤمنون، پس از آنکه خداوند می‌فرماید مؤمنین رستگار می‌شوند، پانزده ویژگی برای ایشان برمی‌شمارد. یکی از این اوصاف، خوش‌قولی است؛ یعنی این نوع از ارتباط و رفتار مؤمنین، موجب رستگاری است. در نتیجه هرگونه برقراری ارتباط با انسان‌ها تبعات و آثاری را در پی می‌آورد و مبانی فکری آن، نقش مستقیمی در بروز این آثار و تبعات دارد.

امام علی علیه السلام به هر کاری که می‌پرداختند و هرگونه ارتباطی که با خود یا با دیگران برقرار می‌کردند، در آغاز خدا را در نظر می‌گرفت، رضایت او را مدنظر قرار می‌داد و سپس آن را به انجام می‌رساند. هرکجای نهج البلاغه را بررسی و ریشه‌یابی کنیم، می‌بینیم امام علیه السلام هر دستوری می‌دهد، هر سفارشی می‌فرماید یا دست به هر کاری که می‌زند، نخست خدا را در نظر می‌گیرند و سپس اوامر الهی را اطاعت می‌نمایند. بازگشت تمام خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های امام علیه السلام به این نکته ختم می‌شود و کلید بحث در این نکته نهفته است. امام علیه السلام در تمام دوران قبل و بعد از امامت، مطیع محض خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود و واسطه فیض الهی و مطیع اوامر الهی واقع گردید؛ چنانکه می‌فرماید: «أَلَمْ أَعْمَلْ فِيكُمْ بِالثَّقَلِ الْأَكْبَرِ وَأَتْرُكُ فِيكُمْ الثَّقَلَ الْأَصْغَرَ» (آیا در میان شما به قرآن عمل نمودم و عترت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را به شما معرفی نکردم)؟ امام علی علیه السلام هرگز در برابر خواسته‌های مردم منفعلانه عمل نکرد و دنبال خوشایند مردم یا حتی خودش نبود؛ بلکه همواره رضایت الهی را منظور می‌داشت.

امام علیه السلام در خطبه ۲۳ نهج البلاغه می‌فرماید: «فَاخْذِرُوا مِنْ اللَّهِ مَا حَذَرَكُمْ مِنْ نَفْسِهِ، وَاخْشَوْهُ خَشْيَةً لَيْسَتْ بِتَعْذِيرٍ، وَأَعْمَلُوا فِي غَيْرِ رِيَاءٍ وَلَا سُمْعَةٍ؛ فَإِنَّهُ مَنْ يَعْمَلْ لِعِيرِ اللَّهِ يَكِلْهُ اللَّهُ إِلَىٰ مَنْ عَمِلَ لَهُ» (از خدا در آنچه اعلام خطر کرده است، بر حذر باشید. از خدا آن‌گونه بترسید که نیازی به عذرخواهی نداشته باشید. عمل نیک انجام دهید، بدون آنکه به ریا و خودنمایی مبتلا شوید؛ زیرا هرکس کاری برای غیر خدا انجام دهد، خدا او را به همان غیر واگذارد).

این کلام امام علی علیه السلام تکلیف برقراری ارتباط و عناصر آن - شامل فرستنده، گیرنده و مخاطب- را روشن می‌کند و می‌فرماید هرگونه ارتباط باید به‌خاطر خدا صورت پذیرد و مبنای هرگونه اقدامی باید خدا باشد. پس ملاک و معیار در ارسال هر پیامی، رضایت خداوند است و او محور هر کاری قرار می‌گیرد. در این صورت، باید بر اساس احکام الهی، برگرفته از قرآن کریم و عترت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، ارتباط برقرار ساخت تا رضایت الهی مقدم بر دیگر رضایت‌ها گردد. آنگاه رضایت

امام علیه السلام و رضایت مخاطب، فرع بر رضایت خداوند قرار می‌گیرد؛ به عبارتی، وقتی خداوند راضی باشد، هم مخاطب راضی است و هم وسیله ارتباط و انتقال پیام (در اینجا مقصود امام علیه السلام است). در نتیجه، الگوی امام علی علیه السلام کم‌کم شکل می‌گیرد که همان خدامحوری است؛ یعنی هرگونه ارتباطی حول محور خداوند دور می‌زند و رضایت اوست که سرآمد همه رضایت‌هاست. حضرت علی علیه السلام برای خدا حرف می‌زند؛ خطابه می‌خواند؛ نامه می‌نویسد؛ زندگی می‌کند؛ زمام امور را به دست می‌گیرد؛ جهاد می‌کند؛ سکوت می‌کند و مظلومانه از حقش می‌گذرد. پس نقطه ثقل هر ارتباطی خداوند است.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب فوق و نظر به اینکه نگاه نهج البلاغه، اقامه کلمه حق و حرکت فردی و گروهی انسان‌ها به سوی قرب الهی به مثابه یکی از ضروریات جامعه اسلامی است، بازنگری در الگوی کنونی ارتباطات اجتماعی و ارائه تبیینی نو و جامع‌تر از الگوی ارتباطات یک انسان، امری ضروری است. همچنین، تولید علوم با نگاه دینی و بومی و ارائه الگوهای جدید در مهروموم‌های اخیر بارها از سوی رهبر معظم انقلاب مورد تأکید و مذاقه قرار گرفته و یکی از نیازهای ضروری برای اداره جامعه محسوب شده است. از این رو، بایستی ارتباط دین و علوم مختلف و نحوه حضور و تعامل آن‌ها با یکدیگر به‌جد بررسی گردد.

امروزه لزوم عمل به تعالیم راهگشای نهج البلاغه، بیش از هر زمان دیگر احساس می‌شود. از آنجاکه تمام مدل‌های موجود، حاصل نظریات و مبانی صاحب‌نظران غیرمسلمان بوده و تاکنون به مبانی ارتباطات اجتماعی از منظر نهج البلاغه پرداخته نشده است؛ نیز با توجه به نقش و جایگاه علم و تولید الگوی دینی و بومی در اداره جامعه اسلامی - در عرصه اجراء و پیاده‌سازی الگوی اسلامی همه‌جانبه - نیاز جدی به تحقیقات گسترده در این سطح احساس می‌شود. با وجود این، متأسفانه علمای اسلام و آگاهان به نهج البلاغه اهتمام ویژه‌ای در این باره نداشته‌اند.

بنابراین، ارائه مبانی ارتباطات اجتماعی از منابع اسلامی، کاربردی‌سازی آن‌ها در جامعه، مقابله با الگوهای وارداتی، تقویت بنیه علمی کشور در راستای بیانات مقام معظم رهبری مبنی بر اسلامی شدن علوم انسانی و نیاز جدی تمام سازمان‌ها و دستگاه‌های اجرایی به مبانی ارتباطات اجتماعی از منظر نهج البلاغه، اهمیت مطالعه و پژوهش حاضر را آشکار می‌سازد. در ضمن، نبودن تحقیق و پرداخته نشدن به ارتباط اجتماعی از این منظر، می‌تواند ضرورت پرداختن به این موضوع را بیشتر برجسته نماید.



منابع و مأخذ:

قرآن کریم.

۱. آذری، غلامرضا (۱۳۸۴). *مقدمه‌ای بر اصول و مبانی ارتباطات (انسانی - جمعی)*. تهران: اداره کل آموزش معاونت آموزشی صداوسیما جمهوری اسلامی ایران.
۲. آذر شب، محمد علی و مریم فولادی (۱۳۸۹). تهران: *تصویر هنری دنیا در نهج البلاغه*.
۳. اورعی، غلامرضا صدیق (۱۳۸۰). *انحطاط اقوام و حکومت‌ها از دیدگاه نهج البلاغه*. تهران: انتشارات صداوسیما جمهوری اسلامی ایران.
۴. اسلمسر، نیل (۱۳۸۰). *تنویری رفتار جمعی*. (رضا دژاکام، مترجم). تهران: انتشارات یافته‌های نوین. (تاریخ نشر اصلی: ۱۹۳۰).
۵. ابوالفتح البیانونی، محمد (۱۳۸۸). *درآمدی بر علم دعوت*. (عبدالرحمن زمان پور). تهران: انتشارات احسان
۶. برکو، ری. ام و همکاران (۱۳۸۲). *مدیریت ارتباطات*. (سید محمد اعرابی و داود ایزدی مترجمان) تهران: انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی (تاریخ نشر اثر اصلی: ۲۰۰۱)
۷. پل، کوبلی (۱۳۸۷). *نظریه‌های ارتباطات*. (شاهو صبار، مترجم). تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی. (تاریخ نشر اثر اصلی: ۱۹۶۳).
۸. جعفری، محمدتقی تبریزی (ترجمه نهج البلاغه و شرح نهج البلاغه)، بیتا، کتابخانه تخصصی حضرت علی (علیه السلام) *باب العلم*، دفتر اول. اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای حوزه علمیه اصفهان.
۹. دشتی، محمد (۱۳۸۵). *ترجمه نهج البلاغه*. قم: انتشارات ظهور شفق.
۱۰. دادگران، سید محمد (۱۳۷۴). *مبانی ارتباطات جمعی*. تهران: فیروزه.
۱۱. دین‌پور، سید جمال الدین (۱۳۷۹). *نهج البلاغه پارسی*، تهران: بنیاد نهج البلاغه.
۱۲. راشدی، لطیف و سعید (۱۳۹۰). *غرر الحکم و درر الکلم*. قم: انتشارات صبح پیروزی.
۱۳. راوندی، قطب الدین ابوالحسین سعید بن هبه (۱۳۸۹). *منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه*، تصحیح سید عبدالکریم کوه کمری، تهران، انتشارات مکتبه الاسلامیه
۱۴. رضایی، عبدالعلی (۱۳۷۷). «*طرح پژوهشی طرح تعیین استراتژی ارتباطات و مخابرات جمهوری اسلامی ایران*»، مرحله اول - مبانی نظری». طرح پژوهشی چاپ‌نشده تهران: مرکز تحقیقات مخابرات ایران معاونت پژوهشی

۱۵. زارعی، زهرا (۱۳۸۵). *نگاهی به سیره حکومتی امام علی (علیه السلام)*. قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما.
۱۶. زرنگار، احمد (۱۳۹۱). *مبانی ارتباطات اجتماعی از منظر قرآن کریم*. تهران: انتشارات دانشگاه صداوسیما.
۱۷. زورق، محمدحسن (۱۳۸۹). *ارتباطات و آگاهی (مفاهیم و مبانی و روش‌ها)*. تهران: انتشارات سروش.
۱۸. ساروخانی باقر (۱۳۸۴). *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی (جلد اول)*. تهران: پژوهشگاه علم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۹. ساروخانی، باقر (۱۳۶۷). *جامعه‌شناسی ارتباطات*. تهران: انتشارات اطلاعات.
۲۰. سورین، ورنر و تانکارد، جیمز (۱۳۸۱). *نظریه‌های ارتباطات*. (علیرضا دهقان، مترجم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران. (تاریخ نشر اثر اصلی: ۱۹۹۲).
۲۱. شهیدی، جعفر (ترجمه نهج البلاغه). *کتابخانه تخصصی حضرت علی (علیه السلام) باب العلم*. دفتر اول. اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای حوزه علمیه اصفهان.
۲۲. طباطبایی ندوشن، سیده مریم (۱۳۹۱). *در رسانه‌ها و مهارت‌های ارتباطی*. قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما چاپ اول.

